

شاه محمود

سلطنت اول

۱۲۱۶ - ۱۲۱۹ هـ ق

۱۸۰۱ - ۱۸۰۳ میلادی

شہزادہ محمود پسا سلطان محمود من حیث سن و سال دومین پسر تیمور شاہ درانی بود . وی در زمان وفات پدر و جلوس برادرش زما نشاہ در بالا حصار کابل ، بحیث نایب الحکومہ در ہرات حکمرانی میکرد . در ۹ سال داندی از سلطنت زما نشاہ از مقابلہ با برادرش قلباً منصرف نشد و با وجو دشکست ہائی کہ دید و تسلیم شد ہمیشہ ادعای تخت و تاج را داشت . شہزادہ محمود در اوان شہزادگی آرزوی رسیدن بر تخت پادشاہی قوہ فعالیت عجیبی بوی دادہ بود کہ آنی آرام نشستہ نمیتوانست . شہزادہ محمود یک آرزو داشت و آن رسیدن بہ تخت و تاج شاہی بود کہ برای احراز آن از استمداد از بیگانگان خود داری نمیکرد چنانچہ ہنر قوہ کہ در خود داشت بخرچ داد و بعد از استمداد از دولت قاجاری ایران در ہیچ مو قع خود داری نکرد ولی باز موفق گشتہ نمیتوانست تا دماغ او بازوی مرد مدبری چون فتح خان باریک زائی با وی را ببارد و متعازم نشد . متأسفانہ بہ شرحیادہ دیدہ شد نام ۹ یا ۱۰ سال سلطنت زما نشاہ در مخالفت ہای برادران و سران و امرای داخلی و تحریکات اجانب و دستگاہ استعماری گذشت و مخالفت سد و زائی و باریک زائی در دورہ زما مداری او تقویہ شد و قتل سردار پایندہ خان استخوان شکنی میان این دو دودمان بزرگ بعمل آورد . باشاہ محمود رقیب و مدعی سلطنت زما نشاہ ، فتح خان باریک زائی بحیث منتقم خون پدر ہمدست شد . برا دران او با جمعی از باریک زائی ہا در صف مقابل زما نشاہ

قرار گرفتند و بدین نحو نه تنها سلطنت زمانشاه پیش از وقت سقوط کرد بلکه ارکان دولت سدوزائی خورد و ضعیف شد و صدمه مدتها به پیکر آن دولت مقتدر حواله شده رفت.

شهبزاده محمود و فتح خان که هر دو ادعاهائی داشتند روی حساب های شخصی که در برخی ازان زمانه بنا بر تائید نظریات وزیرش سردار رحمت الله خان مقصر معلوم میشود، سلطنت سومین پادشاه سدوزائی را در يك موقع بسیار حساس ساقط ساختند متأسفانه زمانه شاه بعد از کشتار ۱۲۱۴ هجری قندهار محبوبیت خویش را از دست داد و از صف طرفداران او چه در قندهار و چه در کابل کاسته شد و طوری که دیدیم قندهار و قلات و غزنی و کابل حتی پشاور یکی بعد دیگری در مقابل فرای ائتلافی شهبزاده محمود و فتح خان سقوط کرده رفت. شهبزاده محمود کابل را گرفت و برادرش زمانه شاه را گردش روزگار به چنگش داد که در ساخت و در زندان بالا حصار بالا افکند و خود از ربیع الاول سال (۱۲۱۶) تا (۱۲۱۹) بر تخت سلطنت تکیه زد و این اولین پادشاه پشاور نامیده میشود که روی هر قته مدت سه سال دوام کرد.

رساله جامع علوم انسانی

همانقدر که شاه محمود در زمان شهبزاده گبی برای احراز تخت و تاج پادشاهی می طپید بعد از جلوس بر تخت آرام طلب و عیاش شد و عیاشی و بیخبری از امور به زودی موجبات سقوط او را فراهم کرد.

شاه محمود بعد از اینکه در بالا حصار کابل بر تخت شاهی نشست برادران خود و جمعی از رجال را از بالا حصار بالا رهایی بخشید و جمعی دیگر منجمله زمانه شاه را در انجا محبوس ساخت و به طرفداران خود و علی الخصوص نظامی هائی که با وی همراهی نموده بودند پول و بخشش زیاد داد، با دو حریف مقابل شد: در هرات با شهبزاده قیصر پسر زمانه شاه و در پشاور با شهبزاده شجاع الملك

برادر عینی زمانشاه. دیری نگذشت که قضیه شهزاده قیصر در اثر هوا خواهی
 میرا فضل خان حل شد و قیصر از هرات خارج شده و حاجی فیروز الدین
 برادر شاه محمود بجایش نشست و به تدریج به نهجی قوت یافت که خود را
 بسکنوع والی خود مختار آن ناحیه ساخت. موضوع مخالفت شهزاده
 شجاع الملك امری بود مشکل تر. جنگ های خور و بزرگی در نقاط مختلف
 عرض راه شرقی و جنوب و حوالی قندهار میان سالخوی طرفین شروع شد
 و بعد از يك سلسله ناکامی هائی که برای شهزاده شجاع دست داد آواره
 و سرگردان در کهستان خيبر و تیرا در دامنه های سفید کوه و علاقه کاکر
 متواری گردید. بالاخره در اثر بغاوت و مخالفت های شد بدغلاجائی ها که به
 کشتار چندین هزار نفر ایشان و کله منار آنها در جناح شرقی بالا حصار
 در نیمه حاک بلخ منتهی شد قوای شاه محمود ضعیف شده و جنگ شیعه و سنی
 در نفس شهر کابل وضعی را روی کار آورد که شاه محمود را خود اهالی
 یا بتخت و شش گروهی در محاصره گرفتند و شهزاده شجاع از مشکلاتی که
 گریبان گیر شاه محمود شد استفاده نموده از راه التمرور لوگر خود را
 بدکابل رسانید و در ۱۲۱۹ دوره سه ساله سلطنت اول شاه محمود سقوط کرد
 و در همان محبسی که همایون وزمانشاه افتاده بود ^{شوشکا علوم از آن و مطالبات فرستاد} شاه محمود هم وارد گردید
 تنها بدین فرق که آن دو برآوردش در محبسی که اول از نعمت بینائی محروم
 ساخته شده بودند به محبسی افتادند و شاه محمود چشم بینا وارد کرد بد تا
 خوب تر زوایای تار بك محبسی معروف بالا حصار بالا را تماشا کند.

ورود شاه محمود و وزیر	تاجائی که از روی ما خداستنباط میشود
فتح خان در بالا حصار	گفته میتوا نیم که سلطنت شاه زمان در
کابل. اولین پادشاه	طی ماه صفر ۱۲۱۶ در کابل خاسته
گردشی:	پذیرفته است. نامه یا فرمانی که عنوای
بالاحصار کابل	(۱۳)

فتح الله خان امين الملك چند صفحه قبل نشر کردیم موید این نظریه است این فرمان راجع به برقراری مواجب امین الله خان لوگری از طرف شاه دست وزیر فتح خان اصدار یافته و بدون شبهه در قطار اولین نامه‌ها یا فرمان‌های محسوب شده میتواند که وزیر شاه محمود بعد از وصول بکابل و اعلان پادشاهی صادر کرده است و تاریخ آن ۱۹ شهر صفر ۱۲۱۶ است .

بدین ترتیب گفته میتوانیم که در اواسط شهر صفر المظفر ۱۲۱۶ شاه زمان و وزیرش سردار رحمت الله خان و همراهان ایشان از بالا حصار کابل برآمده و شهزاده محمود و وزیر فتح خان و همراهان شان داخل آن حصار گردیده اند در تاریخ دوره سد و زامی این بار اولی است که بالا حصار کابل رفت و آمد دو برادر را بدین عجله و شتاب می بیند. شاهی با وزیر فرار میکند و شاهی با وزیر آمده و بجای آنها می نشیند این قسم بیجا شدن و یا سقوط و خروج دوشاه را در کابل (پادشاه کردشی) می گفتند که معنی و خاطر آن در بین مردم است. پادشاه کردشی ها در کابل و در سایر شهرهای افغانستان همیشه هنگامه های دهشت ناک و حول انگیزی داشته که برای اکثر مردم بد بختی بار آورده و علی العموم برای همه مردم گران تمام شده است، در حقیقت پادشاه کردشی (کردشی) تنها برای پادشاه نداشته بلکه بد نوع کردش و انقلاب بوده که فائز آن متوجه بسیاری از رجال میشده و علی العموم باشند که آن شهر و کشور هر اسان میشدند .

چون رفت و آمد این پادشاهان که در بیشتر موارد برادر یا برادرزاده و یا بستگان هم بودند سقوط و خروج طرفداران و رجال بزرگ مملکت و نظامی را ایجاب میکرد باهر پادشاه کردشی يك دفعه طبقه ئی سقوط میدرد و طبقه دیگر جای آن را میگرفت. در بسیار موارد (سقوط) با تبعید فرار و حبس حتی انهدام مطلق همراه بود ازین گذشته چون پادشاه کردشی ها علی العموم در اثر مقابله دوشاه و شکست و بیروزی آنها صورت میگرفت خروج و دخول سپاهیان شکستی و فاتح بلائی بر سر اهالی می آورد که

آریا ناچوزا ۱۳۳۸ (۱۴)

در بسیار مواقع هست و بود آنها را تار و مار میکرد. بدین جهت در مواقع حساسی که سقوط و جلوس دوشاه نزدیک میشد مردم کس و چه های خود را (خاک ریز) میکردند و این هم اصطلاحی است که در بالا حصار کابل و در تمام شهر و احیاناً در سایر شهرهای افغانستان عصر سدوزائی و بارک زائی معمول شده بود.

در میان پادشاه گردشی هائی که کابل و بالا حصار آن دیده پادشاه گردشی که به سقوط سلطنت و کور ساختن و محبوس شدن زما نشاه و جلوس برادرش شاه محمود منجر گردید علاوه بر اینکه اولین پادشاه گردشی عصر سدوزائی است از پهلوی های مختلف شدت و حدت زیاد داشت.

پادشاهی بزرگ که به منزله امپراطور به خاک های وسیع امپراطوری درانی سلطنت میکرد و سجایای خوبی برای مملکت داری داشت در وقتاً در ظرف چند روز باهول ناک ترین معنی سقوط سقوط کرد، دستگیر شد و کور ساخته شد و محبوس شد. وزیر اعظم او دستگیر شد و بطور بسیار فجیع در بالا حصار بقتل رسید. جمع دیگر از رجال درباری گیر آمدند کشته شدند و عده محبوس گردیدند.

کوچه های بالا حصار و کوچه های شهر کابل تا چندین روز خاک ریز بود. در حدود (۳۰) هزار سپاه زمان شاهی که از حوالی مقر گریخته بودند در همه جا در حرکت دیده میشدند سپاهیان که در بالا حصار و در شهر کابل بودند همه با آنچه در دست شان آمده بود بطرف مسکن و دیار خود در حرکت آمده بودند و امنیت بکلی سلب شده بود. برعکس دسته سپاه دیگر یعنی سپاه شاه محمود و وزیر فتح خان که بوی فیروزی و بدست آوردن مال و منال ایشان را مست کرده بود بدون اینکه خستگی احساس کنند از حوالی غزنی تا کابل میدویدند و آنها بیله اسپ و خری داشتند طبیعی از دیگران بالا حصار کابل

بیشی گرفته بودند. در پیشاپیش این کاروان عظیم شاه محمود و وزیر فتح خان و جمعی از رجال معتبر و هم‌رهان صدیق آنها بود که به سرعت برق به هوای گرفتار ساختن زمانشاه و تصاحب تخت و تاج بسمت کابل حرکت داشتند و به موقعی دریای دیوارهای حصار شهر رسیدند که زمانشاه در جسد و ۱۲۵ گروه از نفس شهر بطرف جلال آباد دور شده بود.

بعد از ظهر بدی از روزهای او اسطمانه صفر ۱۲۱۶ در حالیکه از زمانند کسی زیاد دهن اسپها کف کرده بود دو نفر یکی جوان و دیگری مسن تر یکی شهزاده و یکی وزیرزاده از راه دهمزنگ دادا خا شهر کابل شدند عدد از مردم که در میان آنها اهالی خارج شهر و دهان شش گروهی بیشتر بود در دو طرف مسیر دیده میشد. سواران فاتح که برق کامیابی و خشم انتقام در چشمانشان دیده میشد بطرف بالاحصار نزدیک شدند و بعد از آنکه از میان جمع انبوه بالاحصاریها گذشتند به (باغچه محلمه) و از آنجا به (میدانی توپخانه) بالاحصار واصل گردیدند در بین دو نقطه که محل اجتماع بالاحصاریها بود جمعی ملکی و نظامی و سپاهی که بهم مخلوط شده بودند با غریبوا از فاتحان استقبال کردند بدین طریق شاه محمود و فتح خان به ارگ بالاحصار کابل وارد گردیدند و بعد از چند ساعتی که یک روز هم پوره نشد و در طی آن بالاحصار کابل بی شاه بود بر اداری رفت و بر اداری دیگر انجامش وارد بالاحصار شد و روز بعد خویش را بادشاه خواند.

اعلان شاهی شاه محمود *رساله جامع علوم انسانی* شاه محمود باز اول در خوالی و طعام صفر

۲۵ جولائی سال ۱۸۰۱ سال ۱۲۱۶ هجری قمری مطابق ۲۵ جولائی

میلادی . سجع مهر سال ۱۸۰۱ میلادی در دیوانخانه خاص

بالاحصار کابل در حالیکه وزیر فتح خان و جمعی دیگر از بزرگان و خواهران و طرفداران وی حضور داشتند بر تخت پاشاهی تکیه زد در مهر او این سجع:

چو بر کزیده سبجان و ظل معبود است

فراز مسند شاهی مقام محمود است